

مطالعه تطبیقی شباهت و تفاوت دو کتاب «عیون الأخبار» و «العقد الفرید» از منظر ساختار و محتوا

لیلا بیژنی*

تاریخ دریافت: ۹۷/۷/۱۵

عنایت الله فاتحی نژاد**

تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۰/۱۹

چکیده

«عیون الأخبار» پس از «البيان والتبيين» جاحظ مهم‌ترین کتاب ادب شناخته شده است. وی در این کتاب هر فصل را «کتاب» نامیده است، برخی از فصول این کتاب عبارت‌اند از آداب کشورداری، آئین رزم و جنگاوری، اندرزهای پادشاهان، خلفا و حکیمان، سخنان حکمت آمیز بزرگان، خصلت‌های شایسته و ناشایسته، و ضرب‌المثل‌ها. از کتاب‌هایی که به تقلید از «عیون الأخبار» نوشته شده کتاب «العقد الفرید» از ابن عبد ربه است. مؤلف در این کتاب تمام بخش‌های کتاب «عیون الأخبار» را در لابه‌لای تألیف خود جای داده و سپس مطالبی را که از دیگر کتاب‌ها اقتباس کرده در میان فصل‌ها و باب‌های کتاب خود گنجانده است. ابن عبد ربه کتاب خود را به تقلید از «عیون الأخبار» نگاشته و بسیاری از روایت‌های آن را بدون ذکر نام/بن قتیبه و با حذف سلسله‌سندها نقل کرده است. در پژوهش حاضر که به روش تطبیقی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و دیجیتالی نگاشته شده است، دو کتاب ذکر شده مورد تحلیل قرار گرفته و به ذکر شباهت‌ها و تفاوت‌های آن‌ها پرداخته شده است.

کلیدواژگان: ابن قتیبه، ابن عبد ربه، عیون الأخبار، العقد الفرید، عصر عباسی.

* دانشجوی دکترای زبان و ادبیات عرب، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

leilabijani60@gmail.com

** دانشیار گروه زبان و ادبیات عرب، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.

fatehieenayat@ymail.com

نویسنده مسئول: عنایت الله فاتحی نژاد

مقدمه

قرن‌های سوم و چهارم هجری از مهم‌ترین دوره‌های ادبیات عرب به شمار می‌رود. علاوه بر حوادث تاریخی مهمی که طی این دو قرن اتفاق افتاد، در عرصه شعر و ادب و لغت و صرف و نحو و علوم مختلف ریاضیات، نجوم و پزشکی تحولات شگرفی پدید آمد. این تحولات عظیم در نتیجه عوامل متعددی بود که مهم‌ترین آن‌ها عبارت است از اولاً ترجمه آثار ایرانی، یونانی و هندی به عربی که بیش‌تر توسط موالی ایرانی و خاندان‌های بزرگی چون برمکیان و نوبختیان انجام گرفت و در سایه تلاش آنان کتاب‌ها و رسائل متعدد در زمینه‌های گوناگون به عربی ترجمه شد و باعث غنای فرهنگ عربی گردید. ثانیاً گردآوری و تدوین روایت‌های شفاهی که نهایتاً به پدید آمدن تألیفات، کتاب‌ها و رسائل مختلف در حوزه‌های گوناگون علمی، ادبی، لغوی، تاریخی، و دینی منجر شد.

از اواسط سده دوم هجری گروهی از راویان بزرگ که برخی از آنان «راویه» (صیغه مبالغه راوی) لقب گرفته‌اند، بر آن شدند تا به جمع‌آوری و تدوین روایت‌های کهن عربی بپردازند و این ذخایر علمی و فرهنگی را از خطر تحریف و نابودی برهانند. کسانی همچون حماد راویه، خلف الأحمر، ابو عمرو بن علاء، ابوعبیده معمر بن مثنی، اصمعی و مفضل ضبی در این نهضت علمی، ادبی و فرهنگی سهیم بودند و در نتیجه آن روایت‌های شفاهی بسیاری که میراث فرهنگی ادبی عرب‌ها به شمار می‌رفت به صورت مکتوب درآمد و از آن پس کتاب‌ها و رساله‌های متعددی در زمینه‌های مختلف پدید آمد.

دو کتاب «عیون الأخبار» از ابن قتیبه و «العقد الفرید» از ابن عبد ربّه از مهم‌ترین منابع ادبی قرن‌های سوم و چهارم به شمار می‌روند و در ادبیات عربی و به خصوص در میان کتاب‌های ادب از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند. موضوعاتی که در هر دو کتاب بدان‌ها پرداخته شده دامنه‌ای بسیار وسیع دارد که در حقیقت می‌توان اصطلاح «ادب عام» را بر آن اطلاق کرد.

ضرورت و اهمیت تحقیق

معرفی و تبیین جایگاه این دو کتاب، می‌تواند برای دانشجویان و محققان در رشته‌های ادبی سودمند باشد و اطلاعاتی در زمینه‌های شعر و ادبیات کهن عربی، وقایع

تاریخی، سیره خلفا و پادشاهان، سنت‌های کهن عربی اسلامی و فرهنگ‌های مختلف ایرانی، یونانی در اختیار آنان قرار دهد و با مقایسه این دو کتاب، شیوه‌های نگارش رایج در ادبیات کهن معرفی و مورد بحث قرار خواهد گرفت.

روش کار

در این پژوهش در جست‌وجوی تحلیل و بررسی تمام آثار این دو نویسنده با تمام جوانب عصر و زندگی از قبیل شرایط اجتماعی، سیاسی، فکری، تحت تأثیر و تأثر هستیم که با بهره‌گیری و خوانش آثار این دو ادیب، رویکرد و نقاط تلاقی و اختلاف در اندیشه‌های‌شان، مورد پژوهش و معرفی شده است.

پیشینه تحقیق

درباره/بن قتیبه و/بن عبد ربه و تألیفات آن دو تحقیقات و بررسی‌هایی به طور مجزا انجام شده است که عموماً به یک جنبه از جنبه‌های محتوایی یکی از دو کتاب پرداخته شده است. برخی از آثاری که درباره/بن قتیبه و/بن عبد ربه تا کنون نوشته شده عبارت‌اند از «بررسی و تحلیل حکمت اخلاقی ایرانیان در کتاب العقد الفرید» (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). پژوهشگر: مریم گریوانی، ۱۳۹۳، دانشگاه بیرجند، استاد راهنما: محمدرضا عزیزی، استاد مشاور: عبدالرحیم حقدادی. در این پایان‌نامه به سیمای ایرانیان در کتاب «العقد الفرید» و حکمت‌ها و اصالت ایرانی‌ها که در فرهنگ عربی مغفول مانده پرداخته است و همچنین درباره پادشاهان باستان همچون *نوشیروان* و بزرگمهر مطالبی آورده شده است.

«بررسی برخی از آثار ادبی ابن قتیبه دینوری» (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). پژوهشگر: زهرا جمالی پهمدانی، ۱۳۹۰، دانشگاه گیلان، استاد راهنما: سیداسماعیل حسینی اجداد نیایی، استاد مشاور: رحمت پور محمد. در این پایان‌نامه آثار/بن قتیبه و از میان آن‌ها، کتاب «ادب الکاتب» از او را کاملاً معرفی کرده است که این اثر از معتبرترین آثار قرن سوم هجری به شمار می‌آید و همچنین به طور مختصر کتاب «عیون الأخبار»/بن قتیبه را معرفی کرده است.

ساختار و شیوه تقسیم‌بندی مطالب و اجزای «عیون الأخبار»

مؤلف مطالب کتاب خود را در ده قسمت تقسیم‌بندی نموده است و هر قسمت از آن تقسیم بندی را کتاب نامیده است که عبارت‌اند از کتاب السلطان، کتاب الحرب، کتاب السؤدد، کتاب الطبائع والاخلاق، کتاب العلم والبیان، کتاب الزهد، کتاب الإخوان، کتاب الحوائج، کتاب الطعام، کتاب النساء. این شیوه را در «ادب الکاتب» خویش نیز در پیش گرفته است. البته نامگذاری این بخش‌ها به نام کتاب موجب شده است که بعدها کتاب «ادب الکاتب» وی چون نام کتاب بر بخش‌های آن اطلاق شده است، مانند کتاب المعرفة، کتاب تقویم الید، کتاب تقویم اللسان و کتاب الأبنیة. هر یک از بخش‌های این کتاب، به عنوان کتابی مستقل از نظر برخی ادبا پنداشته شده است.

اسلوب نگاشتن مطالب «عیون الأخبار»

این قتیبه کتاب «عیون الأخبار» را با تکیه بر شیوه محدثان و اخباریان بدون اینکه خود هیچ اظهار نظری کند، در هر باب از کتاب از قول استادانش و با ذکر سلسله سند و ذکر حلقه‌ای از راویان مطالب را بیان کرده است. البته وی هدفمند در نظر داشته که شیوه نگاشتن این کتاب با بقیه آثار او از این نظر متفاوت باشد و در آن تحلیل و بررسی یا نقد و نظری را از خود ارائه نمی‌دهد و صرفاً سلسله روایات را با ذکر سند بیان می‌کند، و نتیجه‌گیری خود از هر بخش یا روایت را بیان نمی‌کند بلکه ظاهراً تحلیل و نتیجه‌گیری را بر عهده خوانندگان گذاشته است. همچنین در نوشتن این کتاب استشهد به آیات و احادیث نبوی و اشعار شاعران را هدف خود قرار داده است و چون محدث و عالم به علوم قرآنی می‌باشد استشهد به آیات و احادیث نبوی بسیار فراوان‌تر از استشهد به اشعار شاعران در ده کتاب وی به چشم می‌خورد. این قتیبه هدف خود را از تألیف این کتاب، اینگونه بیان کرده است:

«از آن جهت برای تألیف «عیون الأخبار» تلاش کردم و این امر برای من مهم بوده است که ادیب مبتدی و ناآموخته را روشن‌تر شود، اهل علم را تذکار باشد، رئیسان، کارگزاران و مرئوسان را ادب آموزد، پادشاهان را پس از رنج و خستگی، آرامش بخشد. من صواب ندیدم که این کتاب را وقف دنیاجویان کنم و آخرت طلبان را بی‌بهره گذارم یا وقف خواص کنم و عامه را فرو نهم یا آن را به پادشاهان اختصاص دهم و مردم کوی

و بازار را فراموش کنم و برای هر گروه در این کتاب سهمی قرار دادم» (ابن قتیبه، ۲۰۰۸: ۳ / ۱).

«عیون الأخبار» از لحاظ محتوایی

این کتاب، جزء کتاب‌های ادبی به شمار می‌رود که به موضوع علمی خاصی از علوم متداول زمان خود از قبیل صرف، نحو، بلاغت و لغت و شعر و تاریخ و فلسفه و منطق اختصاص ندارد، و همچنین برای طبقه خاصی از مردم نوشته نشده است. بنابراین از نظر ابن قتیبه لازم است که ادیب از همه علوم رایج در زمان خود چون فلسفه، منطق، ریاضیات، نجوم، نحو، لغت، شعر و خطابه و نیز از قرآن، تفسیر و فقه اطلاعاتی نسبتاً عمیق کسب کند و علاوه بر این‌ها از صفات و ویژگی‌هایی چون حسن سلیقه و خوش‌ذوقی و نغزگویی نیز بهره‌مند باشد (ابن قتیبه، ۲۰۰۸: ۲ / ۱۲۹).

این کتاب آمیخته‌ای از فرهنگ‌های عربی، ایرانی، یونانی و هندی است که البته آنچه مربوط به فرهنگ و تاریخ ایران است به مراتب بیش‌تر از مطالبی است که درباره روم و یونان و هند آورده است. این کتاب آکنده است از روایات مربوط به پدیده‌های اجتماعی و سنت‌های دنیایی مانند شعر و ادب، مدح، هجاء، مجون، موسیقی، ذکر باده، وصف زنان و غلامان، عشق‌ورزی و حکایات گوناگون درباره شیوه‌های مملکت‌داری، جنگاوری، نصایح و اندرزها، سخنان حکمت‌آمیز عربی و غیر عربی، نقل ضرب‌المثل‌ها، حکایت‌ها و اخبار مربوط به اشراف و بزرگان که این از مهم‌ترین ویژگی‌های کتاب‌های ادب در نخستین سده‌های اسلامی است. کتاب تصویری زنده از عصر عباسی را نشان می‌دهد.

«العقد الفرید» ابن عبد ربه از نظر ساختار و اسلوب و محتوا

ابن عبد ربه چون مطالب کتاب خود را گزینشی از میان آثار و تألیفات دیگران می‌داند و می‌گوید کتاب گزیده‌ای از موضوعات و مطالبی است که از بزرگان شنیدم و کتاب خود را به مروارید و جواهری ارزشمند تشبیه می‌کند (ابن عبد ربه، ۱۹۸۳: ۱ / ۴)، لذا کتاب را به بیست و پنج فصل تقسیم کرده و هر فصل را به نام مهره‌های گردنبند نامگذاری کرده است مانند لؤلؤ، فریده، یاقوتة، مرجانة، مجنبه، جوهره، زمرد، یتیمیه، و

عسجدة. سپس هر فصل را به دو جزء تقسیم نموده تا در پایان کتاب مشتمل بر پنجاه جزء شود.

ابن عبد ربه در این کتاب قصد تألیف نداشته است و تنها تألیف وی در آن مقدمه‌ای است که در ابتدای هر بیست و پنج فصل به عنوان فرش کتاب می‌آورد، و بعد از این مقدمه بلافاصله روایات و اخباری را درباره موضوع یا موضوعات هر باب می‌آورد. لذا سبک نوشتن او در این کتاب فقط گردآوری و گزینش مطالب می‌باشد و به روش اخباریان و اهل حدیث فقط روایات گلچین کتاب‌های ارزشمندی مانند «البیان والتبیین» *جاحظ*، «الکامل» *مبرد*، «عیون الأخبار» *ابن قتیبه* و... را بیان می‌کند و از نظر وی اختیار و گزینش مطالب حکمت‌آموز و ارزشمند بسی سخت‌تر از کار تألیف می‌باشد و هدف خود از نگاشتن این کتاب را معرفی اصول و فرهنگ و تربیت و اندیشه دینی که از دیرباز مورد توجه علماء و بزرگان بوده است بیان کرده است (ابن عبد ربه، ۱۹۸۳: ۴/۱).

این کتاب جزء کتاب‌های ادبی می‌باشد؛ لذا دربردارنده موضوعات مختلف از جمله اخبار و روایات مربوط به کشورداری و سیاست اداره مملکت، اشعار، خطبه‌های خطیبان و خلفاء و وزراء، سخنان حکمت‌آمیز، مسائل نحوی و بلاغی، حوادث و وقایع مهم تاریخی، داستان‌ها و حکایات عبرت‌آمیز و ضرب‌المثل‌ها را شامل می‌شود. کتاب در نظر ابن عبد ربه جامع و کامل و حاوی معانی است که بر مدار خاص از پادشاهان و دیگر طبقات مردم می‌چرخد (همان: همانجا).

تشابهات و اختلافات دو کتاب از لحاظ ساختار

هر دو کتاب یعنی «عیون الأخبار» و «العقد الفرید» همچون کَشکولی هستند که موضوعات مختلف از جمله اشعار، خطبه‌های خطیبان و خلفاء و وزراء، سخنان حکمت‌آمیز، مسائل نحوی، بلاغی و لغوی، حوادث و وقایع تاریخی، داستان‌ها و حکایات عبرت‌آموز را شامل می‌شوند. نمونه‌هایی از این گونه ادبی را در آن دوره می‌توان در آثار پیشینیان مثل *جاحظ* به خصوص کتاب «البیان والتبیین»، و کتاب‌های *مبرد* از جمله «الکامل فی الشعر» و «الأدب» دید. مؤلفان این گونه ادبی مطالب خود را از میان آثار

دیگران یا روایات شفاهی که از استادان خود شنیده‌اند، گزینش و انتخاب می‌کنند و سپس آن‌ها را دسته بندی کرده و طی چند فصل یا بخش در کتاب خود می‌آورند. در این نوع کتاب‌ها گویی مؤلف قصد ندارد به مسائل و موضوعاتی که صرفاً تخصصی است و به طبقه خاصی اختصاص دارد، بپردازد بلکه وی سعی می‌کند موضوعاتی را که به ذوق و سلیقه همگان نزدیک باشد و برای خواص و عوام قابل استفاده است. /بن قتیبه در این باره می‌گوید:

«لم أرَ صواباً أن یكونَ کتابی هذا وقفاً علی طالبِ الدنیا دونَ طالبِ الآخرة ولا علی خواصِ الناسِ دونَ عوامهم ... وإنما مثلُ هذا کتابٌ مثلُ المائدةِ تختلفُ فیها مذاقاتُ الطعومِ لاختلافِ شهوةِ الأکلین» (ابن قتیبه، ۲۰۰۸: ۲۰/۱).

/بن عبد ربه نیز در مقدمه کتاب خود به این امر اشاره دارد که این کتاب را تألیف کردم تا برای عوام و خواص قابل استفاده باشد:

«وقد نظرتُ فی بعضِ الکتابِ الموضوعةِ فوجدتُها غیرَ متصرفةٍ فی فنونِ الأخبارِ ولا جامعةٍ لِجَمَلِ الآثارِ؛ فجعلتُ هذا الکتابَ کافياً شافياً جامعاً لأکثرِ المعانی التي تجری علی أفواهِ العامةِ وتُدورُ علی ألسنةِ الملوکِ والسوقة» (ابن عبد ربه، ۱۹۸۳: ۶/۱).

/بن عبد ربه همانگونه که در مقدمه کتاب خویش بیان می‌دارد گزینش و انتخاب مطالب از میان آثار دیگران را بسیار سخت‌تر از کار تألیف می‌داند و آن را نیازمند عقل و خرد می‌شمارد. بنابراین /بن عبد ربه اعتراف می‌کند که این کتاب تألیف نیست بلکه مطالبی است که از کتاب‌های مختلف گرد آورده است. بر این اساس نمی‌توان بر وی خرده گرفت که چرا از «عیون الأخبار» /بن قتیبه اقتباس و تقلید کرده است. اما این انتقاد بر او وارد است که چرا از ذکر نام نویسندگانی که با استفاده از آثار آنان کتاب خود را نوشته خودداری کرده است.

کتاب «عیون الأخبار» به ده فصل یا ده کتاب تقسیم شده است که عبارت‌اند از کتاب السلطان، کتاب الحرب، کتاب السؤدود، کتاب الطبائع والاخلاق، کتاب العلم والبیان، کتاب الزهد، کتاب الإخوان، کتاب الحوائج، کتاب الطعام، کتاب النساء.

اما /بن عبد ربه که کتاب خود را مانند مرواریدی در میان دیگر کتاب‌ها می‌داند، «العقد الفرید» را با الهام از مرواریدها و جواهراتی که یک گردنبند را تشکیل می‌دهند، به بیست و پنج فصل تقسیم کرده و هر فصل را به نام یکی از مهره‌های گردنبند

نامگذاری کرده است و سپس هر فصل را به دو جزء تقسیم نموده تا در نهایت کتاب مشتمل بر پنجاه جزء شود.

تشابهات و اختلافات دو کتاب «عیون الأخبار» و «العقد الفرید» از لحاظ اسلوب

چنانکه پیش از این دیدیم /بن قتیبه نام هر فصل را «کتاب» نامیده است مانند کتاب السلطان، کتاب الحرب و این شیوه را در کتاب «ادب الکاتب» نیز پیش گرفته است که نام هر فصل را کتاب آورده است، مانند کتاب تثقیف الید و کتاب تثقیف اللسان. این امر باعث شده است که بخش‌هایی از کتاب «ادب الکاتب» چون نام کتاب بر آن اطلاق شده، بعدها به عنوان کتابی مستقل پنداشته شده است مثل «کتاب تثقیف اللسان» که برخی شرح حال نویسان در سده‌های بعد آن را به عنوان اثری مستقل از /بن قتیبه ذکر کرده‌اند. /بن عبد ربه بر خلاف /بن قتیبه فصل‌های «العقد الفرید» را تحت عنوان «کتاب» نیاورده است و به جای آن از عنوان لؤلؤة، جوهره، زمرد و فریده استفاده کرده است. وی در ابتدای هر فصل مقدمه‌ای کوتاه را با عنوان «فرش» می‌آورد که در حقیقت توضیحی است درباره مطالب همان فصل مثل فرش کتاب الحروب که در آغاز فصل دوم کتاب یعنی کتاب الفریده فی الحروب و مدار امرها آورده است (بن عبد ربه، ۱۹۸۳: ۱/ ۸۵). وی در مقدمه کتاب می‌گوید:

«وَأَمَّا لِي فِيهِ تَأْلِيفُ الْأَخْبَارِ وَفَضْلُ الْأَخْتِيَارِ وَحُسْنُ الْأَخْتِصَارِ وَفَرَشٌ فِي صَدْرِ كُلِّ كِتَابٍ» (همان: ۶/۱).

/بن قتیبه با تکیه بر شیوه محدثان و بدون اینکه خود اظهار نظر کند روایاتی را در هر باب از کتاب از قول استادانش و با ذکر سلسله سند و ذکر نام حلقه‌ای از راویان می‌آورد. این روش در میان بسیاری مؤلفان آن روزگار مرسوم بوده است و این به آن معنا نیست که مؤلف دارای قدرت تجزیه و تحلیل و اظهار نظر نبوده است چون /بن قتیبه در کتاب «الشعر والشعراء» و به خصوص مقدمه آن به خوبی نشان داده است که به معنای واقعی کلمه نویسنده است و در نگارش هم قدرت و توانایی تجزیه و تحلیل مسائل را دارد و هم صاحب فکر و اندیشه است و در نگارش می‌تواند مبدع و مبتکر باشد. در مقدمه «الشعر والشعراء» بدون اینکه از دیگران مطلبی را نقل کند و یا شیوه محدثان را پیش گیرد، همه مطالب را با اتکا به اندوخته‌ها و تجربیات و برداشت‌های شخصی خود نقل می‌کند و

در بسیاری از موارد آنچه می‌نویسد تنها تراوشات ذهنی خود اوست. اما در کتاب «عیون الأخبار» شیوه و روش اهل حدیث و اخباریان را پیش گرفته و بر خلاف کتاب «الشعر والشعراء» در هیچ مورد از خود سخنی نمی‌گوید و همه آنچه می‌گوید روایاتی است که به صورت شفاهی از استادانش در حلقات و مجالس درس شنیده یا از کتاب‌ها و آثار دیگران برگرفته است.

تفاوت عمده ابن عبد ربه و ابن قتیبه در شیوه نگارش و اسلوبی است که در نگارش مطالب از آن استفاده کرده‌اند. ابن عبد ربه بر خلاف ابن قتیبه در بسیاری موارد شیوه محدثان را کنار گذاشته و تنها به نقل روایات بدون ذکر سلسله سند پرداخته است. علت این امر این است که چون وی مطالب کتاب را از آثار دیگران و به خصوص ابن قتیبه اقتباس کرده است نمی‌توانسته روایات شفاهی را که ابن قتیبه در بغداد از استادان خود شنیده، و با عبارت «حَدَّثَنِي» یا «أَخْبَرَنِي» در کتابش آورده عیناً و بدون ذکر نام ابن قتیبه بیاورد. چون در آن صورت این سؤال پیش می‌آمد که چگونه ابن عبد ربه که در قرطبه به سر می‌برده از استادانی همچون اِصْمَعِي و اِبُو عمرو شیبانی و اِبُو عمرو بن العلاء که در بغداد یا بصره یا کوفه می‌زیسته‌اند، روایت شنیده است.

بنابراین ابن عبد ربه ترجیح داده است روایت‌ها را بدون ذکر نام راویان نقل کند. البته وی در توجیه این موضوع می‌گوید که آوردن سلسله سندها به شکل متصل باعث طولانی شدن کتاب و تفصیل و اطاله کلام می‌گردد و لطافت آن از میان می‌رود. بنابراین حذف آن‌ها هیچ خدشه و ضرری به کتاب وارد نمی‌سازد. وی در ادامه چنین استدلال می‌کند که این امر مسبوق به سابقه است و حتی برخی محدثان در روایت احادیث نبوی نیز سلسله راویان و محدثان را حذف کرده‌اند و او برای اثبات این ادعای خود به برخی روایات و اقوال بزرگان استناد کرده است. وی در ادامه می‌گوید که در این صورت وقتی سخنان پیامبر(ص) که جنبه شرعی دارد، بدون سند نقل می‌شود و اشکالی بر آن وارد نیست، پس اگر ما در نقل روایاتی که جنبه شرعی ندارد و تنها نقل اخبار و سخنان نغز و أمثال سائره است، از ذکر نام راویان پرهیز کنیم ایرادی بر ما وارد نخواهد بود.

«وحذفتُ الاسانیدَ من أكثرِ الأخبارِ طلباً لِّلاستخفافِ والایجازِ وهرباً من التثقیلِ والتطویلِ
لأنها أخبارٌ ممتعةٌ وحکمٌ ونوادرٌ لا ینفعُها الإسنادُ باتصاله ولا یضرُّها ما حُذِفَ منها»
(همان: ۱/ ۵-۶).

«وقد كان بعضهم يحذف أسانيد الحديث من سنة متبعة وشريعة مفروضة؛ فكيف لا نحذفه من نادرة شاردة ومثل سائر وخبر مستطرف وحديث يذهب نُوره إذا طال وكثر» (همان: ۶/۱).

علاوه بر اختلاف در شیوه نقل روایات در «عیون الأخبار» و «العقد الفرید»، وجه مشترک / بن قتیبه و / بن عبد ربه در این مورد این است که هیچ کدام از خود اظهار نظری درباره آنچه نقل می کنند ارائه نداده اند و ظاهراً تحلیل و نتیجه گیری را بر عهده خوانندگان گذاشته اند. اگرچه / بن عبد ربه به ندرت به شرح و تحلیل برخی روایات پرداخته است و بر خلاف / بن قتیبه گاه برخی احادیث و روایات را تفسیر می کند و به طور مفصل به شرح کلمات و الفاظ دشوار و آنچه اصطلاحاً غریب الخبر خوانده می شود می پردازد.

یکی دیگر از شباهت هایی که از لحاظ شیوه نگارش میان «عیون الأخبار» و «العقد الفرید» وجود دارد استشهاد به آیات قرآن، احادیث نبوی و اشعار شاعران است. هر دو مؤلف برای استحکام بخشیدن به مطالبی که عرضه می دارند. شواهدی از آیات قرآن و سخنان پیامبر (ص) و برخی خلفا و بزرگان و نیز ابیاتی از شاعران می آورند. البته این شیوه نگارش همه نویسندگان و مؤلفان کهن به خصوص در کتاب های ادب است. استناد به اشعار در کتاب «العقد الفرید» بسیار بیش تر از کتاب «عیون الأخبار» است چنانکه در فصل دوم «العقد الفرید» یعنی «الفریده فی الحروب» بیش از ۸۰ درصد صفحات به اشعار شاعران اختصاص یافته است و بر عکس استشهاد به احادیث نبوی و آیات قرآن در «عیون الأخبار» بیش تر از «العقد الفرید» است.

/ بن عبد ربه در موارد بسیاری به اشعار خود استناد کرده است و از آن ها به عنوان شاهد مثال برای موضوعاتی که بدان پرداخته بهره برده است (نک ابن عبد ربه، ۱۹۸۳ م: ج ۱ / ۳۸ که چهار بیت با قافیه میم در استشهاد به هیبت سلطان آورده است. یا ج ۱ / ۶۲ با قافیه میم؛ ۴ بیت با قافیه نون درباره صفة الحرب و سپس هفت بیت با قافیه راء در همین مورد فی صفة المعترک (ج ۱ / ۸۸)؛ اشعاری در وصف اسب، (ج ۱ / ۱۴۱) ۹ بیت در وصف نیزه و شمشیر با قافیه ع، (ج ۱ / ۱۵۷) ۱۴ بیت با قافیه م و س و باء (ج ۱ / ۲۱۱-۲۱۲) آورده است).

تشابهات و اختلافات محتوایی «عیون الأخبار» و «العقد الفرید»

از نظر ابن قتیبه لازم است، ادیب از همه علوم رایج در زمان خود چون فلسفه، منطق، ریاضیات، نجوم، نحو، لغت، شعر و خطابه و نیز از قرآن، تفسیر و فقه اطلاعاتی نسبتاً عمیق کسب کند، و علاوه بر این‌ها از صفات و ویژگی‌هایی چون حسن سلیقه و خوش ذوقی و نغزگویی نیز بهره‌مند باشد. وی در آغاز کتاب «عیون الأخبار» برنامه‌ای از کارهای خود در زمینه ادب، برای ما روشن می‌سازد و می‌گوید:

«این کتاب، هرچند که در باب قرآن کریم و سنت و شرایع دین و علم حلال و حرام نیست، باز در امور مهم راهگشاست. (خواننده را) به اخلاق نیک راه می‌نماید، از فرومایگی باز می‌دارد، از زشتی بر حذر می‌دارد. دوراندیشی و تدبیر بایسته و ارزیابی و سنجش شایسته و نرمی و ملایمت در سیاست را یادآور می‌شود و بر آبادانی و آبادسازی زمین تأکید دارد» (همان: ۸/۱).

ابن قتیبه مطالبی را که در کتاب خود آورده چه آن‌ها که به مسائل خالص دینی اختصاص دارد، و چه آن‌ها که دانش‌های دیگر را در بر گرفته، به قصد تعلیم و آموزش و بالا بردن سطح دانش خوانندگان خویش آورده است. اگرچه با توجه به اوضاع اجتماعی آن زمان، مخاطبان وی بیش‌تر اقشار تحصیل کرده و درس‌خوانده‌ها، و بزرگان و اشراف و اعیان و کارگزاران دیوان‌ها بوده‌اند، اما او قصد داشته است که عامه مردم نیز بتوانند از این کتاب بهره ببرند و سطح آگاهی و دانش خود را بالاتر ببرند. او می‌خواهد «خفتگان را بیدار کند تا با یاری خداوند به درجه اصحاب ذوق و سلیقه برسند» (همان: ۷/۱). با این حال شکی نیست که امیران، دبیران و سلاطین بیش‌ترین مخاطبان او بوده‌اند. «کتاب السلطان» که به گفته محققان به تنهایی می‌تواند کتابی مستقل و کامل باشد، بیش‌تر به کار سلاطین و امیران و درباریان می‌آید تا مردم عوام و کوچه و بازار. او در این فصل به بزرگان روزگار خود رفتار نیک، منش نیک و اطلاعاتی را که در اجتماع خود به آن نیازمندند می‌آموزد.

بررسی محتوایی این بخش از کتاب «عیون الأخبار» نشان می‌دهد که ابن قتیبه عیناً سنت‌های فرهنگی و اخلاقی هند و ایرانی را گرفته و بر حسب حال، گسترش داده است. جالب توجه آن که بخش اعظم نقل قول‌های او از ابن مقفع در فصل کتاب السلطان و کتاب الحرب از جلد اول کتاب آمده است. ابن عبد ربه نیز در «العقد الفرید» روایت‌های

ایرانی این بخش از کتاب را تقریباً بدون تغییر کلی در کتاب خود آورده است. برخی روایت‌های که مربوط به آیین‌های ایرانی است و / ابن عبد ربه از فصل نخست کتاب «عیون الأخبار» یعنی کتاب السلطان اقتباس کرده عبارت‌اند از:

«لِرَجُلٍ مِّنَ الْهِنْدِ يَنْصَحُ مَلِكًا: فِي كِتَابٍ لِلْهِنْدِ» (ابن عبد ربه، ۱۹۸۳: ۱/۱۲، ۱۹، ۴۲).
 هر جا / ابن عبد ربه عبارت «فی کتاب للهند» را می‌آورد مقصود «کليلة و دمنه» است که توسط ابن مقفع به عربی ترجمه شده است، و مصحح «العقد الفريد» گاه روایات / ابن عبد ربه را از روی کتاب «عیون الأخبار» تکمیل کرده است (همان: ۱۲، ۶۳).

کتاب «عیون الأخبار» آمیخته‌ای از فرهنگ‌های عربی، ایرانی، یونانی و هندی است که البته آنچه مربوط به فرهنگ و تاریخ ایران است به مراتب بیش‌تر از مطالبی است که درباره روم و یونان و هند آورده است. از این رو کتاب «عیون الأخبار» برای شناخت تاریخ و فرهنگ کهن ایران بسیار اهمیت دارد. زیرا می‌دانیم که ایرانیان پیش از ظهور اسلام دارای فرهنگ و تمدن بسیار بزرگی بوده‌اند و آثار و کتاب‌هایی در زمینه‌های گوناگون داشته‌اند که / ابن ندیم در فهرستی مفصل به ذکر آن‌ها پرداخته است. از مهم‌ترین این کتاب‌ها «آیین‌نامه»، «خدای‌نامه»، «نامه اردشیر بابکان و انوشیروان» است. علاوه بر این اندرزنامه‌هایی وجود داشته است که در بردارنده سخنان پندآمیز / انوشیروان و بزرگمهر حکیم و دیگران بوده است. این کتاب‌ها در دوره اسلامی و در قرن دوم هجری با آغاز نهضت ترجمه توسط دانشمندان ایرانی چون / ابن مقفع از پهلوی به عربی ترجمه شدند. اما به تدریج اصل پهلوی این کتاب‌ها از بین رفت و کم‌کم از ترجمه‌های عربی آن نیز چیزی باقی نماند. تنها قطعه‌هایی از این کتاب‌ها و از ترجمه عربی آن‌ها در آثار و تألیفات کسانی چون / ابن قتیبه و / ابن عبد ربه باقی مانده است. بنابراین دو کتاب «عیون الأخبار» و «العقد الفريد»، از مهم‌ترین کتاب‌هایی هستند که قطعاتی بازمانده از کتاب‌های کهن ایرانیان همچون «آیین‌نامه» و «خدای‌نامه» را می‌توان در آن‌ها یافت (فاتحی نژاد، ۱۳۸۸: ۴۶-۵۲).

دو کتاب «عیون الأخبار» و «العقد الفريد» در طبقه‌بندی کتاب‌ها ضمن کتاب‌های ادبی به شمار می‌روند چون هر دو کتاب دربرگیرنده موضوعات و مطالب متعدد و پراکنده‌اند، و همچون کتاب «البيان والتبيين» جاحظ به یک موضوع خاص اختصاص ندارند. به طور خلاصه موضوعات و مطالب هر دو کتاب را می‌توان چنین برشمرد:

اخبار و روایات مربوط به کشورداری و سیاست اداره مملکت، اخبار مربوط به شیوه‌های جنگیدن و آیین رزم، که دو بخش نخست هر دو کتاب به این موضوع اختصاص یافته است: سلطان و جنگ، نقل برخی مباحث تاریخی، نقل ضرب‌المثل و سخنان حکمت‌آمیز و قطعاتی از اشعار جاهلی و اسلامی و اموی و عباسی، حکایت‌ها و اخبار مربوط اشرف و بزرگان، فکاهه و لطایف، اخبار زنان، داستان‌هایی درباره بخل و خساست ایرانی، سخنان حکمای یونانی و هندی، نقل قول‌هایی از کتاب‌های ابن مقفع («آداب» و «کلیله و دمنه»)، «التاج والایین»، «أقوال ابرویز، انوشروان، اردشیر و بزرگمهر» و آنچه از تاریخ کهن ایران با نام «کتاب العجم و سیر العجم» در این دو کتاب آمده از اهمیت بیش‌تری برخوردار است. همچنین روایاتی را از قول حکمای هند و یونان در هر دو کتاب می‌یابیم و در نقل این مطالب ابن قتیبه ظاهراً از کتاب‌هایی استفاده کرده که پیش از آن از سانسکریت یا یونانی به عربی ترجمه شده بوده‌اند؛ چنانکه در بسیاری مواردی بدون اشاره به نام کتاب می‌گوید: «در کتابی از هند خوانده‌ام که کتبٌ للهند...».

هرجا که ابن قتیبه می‌گوید «قرأتُ فی کتابٍ للهند» مقصودش «کلیله و دمنه» است که توسط ابن مقفع به عربی برگردانده شده بوده است، و مشخص است که ابن قتیبه این کتاب را در اختیار داشته است، و ابن عبد ربه هرجا اینگونه مطالب را از ابن قتیبه اقتباس کرده به جای عبارت «قرأتُ فی کتابٍ للهند» می‌گوید: «وفی کتابٍ للهند» (ابن عبد ربه، ۱۹۸۳: ۱/ ۱۲، ۶۲، ۶۶). روشن است که کتاب‌های ابن مقفع را در دست نداشته و به طور غیرمستقیم مطالب آن را نقل کرده است. همچنین ابن قتیبه از آثار یونانی که به عربی ترجمه شده بودند استفاده کرده و در مواردی سخنان فیلسوفان یونانی از قبیل سقراط، بقراط، و جالینوس را نقل می‌کند. ابن عبد ربه هم بسیاری از این نقل قول‌ها را بدون اشاره به نام ابن قتیبه در کتاب خود آورده است.

فرهنگ عربی بخش غالب هر دو کتاب است و سخنانی که از قول حضرت علی(ع)، خلفا و دانشمندانی چون اسحاق بن راهویه استادش، ابوحاتم سجستانی، خلیل بن احمد، عبد الرحمن بن عبد المنعم، ابو سهل، عبد الملک بن مروان، میمون بن میمون، مدائنی، ابو عباد کاتب، ابن اعرابی، محمد بن عبید، محمد بن داود، علی بن محمد، و محمد بن

سیرین آمده است، به مراتب بیش‌تر از سخنان و اقوال حکمای ایران و هند و یونان است. با بررسی و مقایسه دو کتاب «عیون الأخبار» و «العقد الفرید»، مشخص می‌شود که ابن عبد ربه ۱۷۸ روایت را از ابن قتیبه اقتباس کرده است.

نتیجه بحث

در این پژوهش دو کتاب «عیون الأخبار» از ابن قتیبه و «العقد الفرید» از ابن عبد ربه از لحاظ ساختار و محتوا به صورت تطبیقی، مشابهات و تفاوت‌های مورد بررسی و تحقیق قرار گرفت و نتیجه این پژوهش به شرح زیر است:

از لحاظ ساختار و فصل‌بندی کتاب «عیون الأخبار» و «العقد الفرید» دارای مشابهت‌های بسیارند؛ چنانکه ابن عبد ربه نام هر ده فصل کتاب «عیون الأخبار» را با اندکی تغییر در کتاب خود آورده است. مثلاً ابن قتیبه فصل اول را «کتاب السلطان» نامیده است و ابن عبد ربه نخستین فصل از «العقد الفرید» را «اللؤلؤة فی السلطان» نام نهاده است. همچنین دومین فصل کتاب «عیون الأخبار»، «کتاب الحرب» نام دارد و در «العقد الفرید» دومین فصل «الفریده فی الحرب» نامیده شده است.

مطالبی که در «عیون الأخبار» آمده یا روایاتی است که مؤلف آن‌ها را از استادان خود به طور مستقیم و شفاهی شنیده است که همه با عبارت «حدثنی» آغاز می‌شود و یا موضوعاتی است مربوط به فرهنگ و تاریخ کهن ایران که معمولاً آن‌ها را از کتاب‌های ابن مقفع گرفته است، و بیش‌تر با عبارت «قرأت فی کتاب» شروع می‌شود. بنابراین روایات و اخبار کتاب «عیون الأخبار» مجموعه‌ای از روایات شفاهی و مکتوب است.

ابن عبد ربه اخبار و روایاتی را که از ابن قتیبه اقتباس کرده، همه را بدون ذکر سلسله سند آورده است و چنانکه پیداست منابع وی تنها روایات مکتوب و کتاب‌های تألیف‌شده در قرن‌های دوم و سوم بوده و اثری از نقل روایات شفاهی در کتاب وی به چشم نمی‌خورد.

ابن عبد ربه کتاب خود را در ۲۵ فصل آورده است که ده فصل آن تقریباً برگرفته از کتاب «عیون الأخبار» است، اگر چه گاه مطالب و روایاتی از آن را حذف یا بدان افزوده است و ابن قتیبه مطالب خود را در ده کتاب تقسیم‌بندی کرده است.

کتاب «العقد الفرید» ۱۵ فصل از کتاب «عیون الأخبار» بیش‌تر دارد که برخی از روایات کتاب «عیون الأخبار» به عنوان فصلی جداگانه در آن آمده است. از آنجایی که ابن قتیبه محدث و عالم به علوم قرآنی بوده است، استشهاد به احادیث و آیات قرآنی در کتاب او بیش‌تر می‌باشد، ولی از آنجا که ابن عبد ربّه خود، شاعر بوده است، استشهاد به اشعار شاعران در کتاب وی چشمگیرتر است و گاه به ابیاتی از خود استناد کرده است. از لحاظ محتوا هر دو کتاب شبیه به هم هستند و هر دو مؤلف به موضوعاتی مختلف که بیش‌تر جنبه ادب، شعر و تاریخ دارد و نیز مطالبی که به فرهنگ ایرانی-عربی مربوط می‌شود پرداخته‌اند. کتاب «عیون الأخبار» آمیخته‌ای از فرهنگ‌های عربی، ایرانی، هندی و یونانی می‌باشد و آکنده از روایت‌هایی مربوط به پدیده‌های اجتماعی و سنت‌های دنیایی مانند شعر، ادب، مدح، هجاء، مجون و عشق ورزی حکایت‌های گوناگون درباره شیوه‌های مملکت داری و نصایح و اندرزها و سخنان حکمت آمیز عربی و غیر عربی می‌باشد که این موضوعات مهم‌ترین ویژگی‌های کتاب‌های ادبی است.

در کتاب «العقد الفرید» مطالبی در زمینه‌های شعر، ادب، خطبه‌ها، ضرب‌المثل‌ها و مباحث تاریخی و فرهنگی آمده است که در کتاب «عیون الأخبار» وجود ندارد. این ابواب کتاب به‌ویژه آنچه مربوط به جنگ‌های قبیله‌ای در عصر جاهلی است و نام اخبار و ایام العرب دارد، و همچنین آنچه مربوط به تاریخ دو قرن نخست اندلس است، از اهمیت خاصی برخوردار است. هرچند مؤلف این مطالب را نیز از کتاب‌ها و آثار دیگران به جز ابن قتیبه اقتباس کرده، اما به هیچ وجه از ارزش کتاب کم نمی‌کند زیرا کتاب‌ها و آثاری را که وی مورد اقتباس قرار داده، به دست ما نرسیده است.

بخش‌هایی از کتاب «العقد الفرید» مانند فصل «فی أعاريض الشعر و القوافی» که مربوط به علم عروض است خود به تنهایی می‌تواند کتابی مستقل در عروض به شمار آید، زیرا مؤلف تمام بحرهای عروضی را با ذکر جزئیات و موارد اختلاف را با توضیح و تفصیل کامل آورده است. همچنین فصل «ایام العرب» که مؤلف در آن به جنگ‌های معروف عصر جاهلی پرداخته و نام نزدیک به صد واقعه را با ذکر جزئیات هر یک آورده است، از لحاظ تاریخی و برای محققان تاریخ پیش از اسلام بسیار مفید و سودمند است. بیش‌تر روایت‌های این فصل را از قول اصمعی آورده است که نشان می‌دهد وی کتاب

«ایام العرب»/صمعی را که به دست ما نرسیده در اختیار داشته است. /بن عبد ربه در تدوین «العقد الفرید» علاوه بر «عیون الأخبار»، از کتاب‌های بسیاری از نویسندگان مشرق‌زمین بهره برده و گاه بخش‌های بزرگی از کتاب‌های آنان را که به دست ما نرسیده، عیناً اقتباس کرده است. میزان این اقتباس‌ها به حدی است که امروزه می‌توان بخش اعظم این کتاب او را بر اساس کتاب «العقد الفرید» بازسازی کرد، و این نویسنده در مواردی از قبیل اقتباس از کتاب‌های /بن قتیبه و /جاحظ و /مبّر، حذف سلسله سند روایت‌ها، اختصاص دادن کتاب به ادبیات شرق، و عدم داشتن نظم و ترتیب در موضوعات مورد انتقاد قرار گرفته است که برای هر یک از این انتقادات وارد شده بر /بن عبد ربه و کتاب «العقد الفرید» او دلایلی ذکر شده است تا پاسخی برای قانع کردن منتقدان باشد و این انتقادات هرگز از ارزش و اعتبار این کتاب نمی‌کاهد.

کتابنامه

- ابن عبد ربه، احمد بن محمد. ۱۹۰۴م، **العقد الفريد**، به كوشش احمد امين و ديگران، بيروت: دار الكتب العلمية.
- ابن عبد ربه، احمد بن محمد. ۱۹۸۳م، **العقد الفريد**، به كوشش مفيد محمد قميحه و عبد المجيد الرحيني، چاپ اول، بيروت: دار الكتب العلمية.
- ابن قتيبه، عبد الله بن مسلم. ۱۳۳۱ق/ ۱۹۱۳م، **كتاب العرب او الرد على الشعوبية**، رسائل البلغاء، به كوشش محمد كردعلى، چاپ اول، قاهره: دار المعارف.
- ابن قتيبه، عبد الله بن مسلم. ۱۳۴۳ق/ ۱۹۲۵م، **عيون الأخبار**، بی جا: بی نا.
- ابن قتيبه، عبد الله بن مسلم. ۱۳۶۳ش، **مقدمة الشعر والشعراء**، به كوشش گودفروا دومونيين، ترجمه آذرتاش آذرنوش، تهران: سمت.
- ابن قتيبه، عبد الله بن مسلم. ۱۳۶۸ق/ ۱۹۴۹م، **المعاني الكبير في أبيات المعاني**، حيدرآباد دكن.
- ابن قتيبه، عبد الله بن مسلم. ۱۳۷۵ق/ ۱۹۶۵م، **الأنواء**، به كوشش شارل پلا و حميد الله، حيدرآباد دكن.
- ابن قتيبه، عبد الله بن مسلم. ۱۴۰۵ق/ ۱۹۸۵م، **تأويل مختلف الحديث**، چاپ سوم، بيروت: المكتب الاسلامي.
- ابن قتيبه، عبد الله بن مسلم. ۱۹۵۴م. **تأويل مشكل القرآن**، به كوشش احمد صقر، چاپ اول، بيروت: دار الكتب العلمية.
- ابن قتيبه، عبد الله بن مسلم. ۱۹۶۰م، **المعارف**، به كوشش ثروت عكاشه، چاپ اول، قاهره: دار المعارف.
- ابن قتيبه، عبد الله بن مسلم. ۲۰۰۸م، **منذر محمد سعيد ابو شعر**، چاپ اول، بيروت: المكتب الاسلامي.

مقالات

- الكك، ويكتور. ۱۳۸۷ش، «زبان عربي در ايران، گذشته، حال و آينده»، ترجمه حيدر محلاتي، مجله ادبيات تطبيقي، جيفرت، سال دوم، شماره ۶.

Bibliography

- Ibn Qatibeh, Abdullah Ibn Moselm, (1965), "Al-Anwa'a", by the efforts of Charles Pla and Hanidollah, Haidar Abad Dokon.
- Ibn Qatibeh, Abdullah Ibn Moselm, (1985), "Ta'awil Mokhtalef Al-Hadith", 3rd ed., Beirut, Maktabah Al-Eslamiyyeh.

- Ibn Qatibeh, Abdullah Ibn Moselm, (1954), "Ta'awil Moshkel Al-Quran", 1st ed., by the efforts of Ahmad Saqar, Beirut, Dar Al-Kutub Al-Elmiyyeh.
- Ibn Qatibeh, Abdullah Ibn Moselm, (1925), "Oyun Al-Akhbar", by the efforts of Al-Kateb.
- Ibn Qatibeh, Abdullah Ibn Moselm, (2008), 1st ed., "Monzar Muhamamd Sa'eid Abu She'er", Beirut, Al-Maktab Al-Eslamiyyeh.
- Ibn Qatibeh, Abdullah Ibn Moselm, (1913), "Kitab Al-Arab Aw Al-Radd Ala Al-Sho'oubiyeh, Rasa'el Al-Bolaqa'a", 1st ed., by the efforts of Muhammad Kurd Ali, Cairo, Dar Al-Ma'aref.
- Ibn Qatibeh, Abdullah Ibn Moselm, (1960), "Al-Ma'aref", 1st ed., by the efforts of Therwat Akasheh, Cairo, Dar Al-Ma'ar.
- Ibn Qatibeh, Abdullah Ibn Moselm, (1949), "Al-Ma'ani Al-Kabir fi Abiyat Al-Ma'ani", Haidar Abad Dokon, Dar Al-Kutub.
- Ibn Qatibeh, Abdullah Ibn Moselm, (1985), "Moqaddamah Al-She'er wa Al-Sho'ara", by the efforts of Goodfarva Domoneen, tr. Azartash Azarnoush, Tehran, Samt.
- Ibn Abdarbeh, Ahmad Ibn Muhammad, (1904), "Al-Aqd Al-Farid", by the efforts of Ahmad Amin and others, Beirut, Dar Al-Kutub Al-Elmiyyeh.
- Ibn Abdarbeh, Ahmad Ibn Muhammad, (1983), "Al-Aqd Al-Farid", 1st ed., by the efforts of Muhammad Ghamiheh, Abd Al-Majid Al-Rahini, Beirut, Lebanon, Dar Al-Kutub Al-Elmiyyeh.
- Alkec, Victor, (2009), "Arabic language in Iran: past, present and future", tr. Haidar Mahallati, journal of comparative literature, Jiroft, 2(6).